

## چه جریانی هزیمت کرد؟

در حاشیه بیانیه کنگره دهم کومه له  
(جایگاه کومه له در حزب کمونیست ایران)

یا اینکه مسیر آینده‌مان از هم جدا است. رجوع دادن و یادآوری اینها برای رهبری کنونی کومه له ضروری نیست، چون آنها چه آزمون و چه اکنون به افق و سیاست و جنبش ملی متکی شدند و تصمیم خود را گرفتند و تحلیل "همه جانبه" و مشعشع خود را دارند. توجه کنید "نه فروپاشی اتحاد شوروی و نه اختلاف نظر بر سر ارزیابی از قیام مردم در کردستان عراق، نه ارزیابیهای متفاوت از عوارض تاکتیکی ناشی از پایان جنگ ایران و عراق، که مضمون بحثهای درونی و بیرونی آن هنگام بودند، هیچکدام از اینها به خودی خود و به تنهایی توجیه‌گر آن انشعاب نیستند، علت واقعی را بایستی در جای دیگری جستجو کرد" حال ببینیم از نظر رهبری و کنگره کومه له چه واقعه مهمتر از همه اینها جدایی آن دوران را توضیح میدهد. "جداییهای سال ۱۹۹۰ (یادآوری کنم ۱۹۹۱) اساسا عکس‌العملی بود آگاهانه و یا ناآگاهانه که نسبت به تیره شدن افق جنبش توده‌ای در کردستان و آخرین پرده‌های عقب‌نشینی جنبش مسلحانه، نشان داده شد. در آن دوره تشکیلات مسلح ما در کردستان عراق، با مشکلات عملی و تاکتیکی خاصی روبرو بود، که به راهیابی و چاره‌جویی کنکرت و همبستگی بیشتر و هدایت رهبری حزب نیاز داشت و اکثریت قاطع مبارزین صفوف ما در آن مقطع با آغوش باز از چنین راه‌لهایی پشتیبانی میکردند. .... آنها انطباق قابل درکی را که مبیایست با شرایط جدید صورت بگیرد و بطور آگاهانه سازمان داده شد، به هزیمت تبدیل کردند و بدین شکل باعث یاس و دلسردی

ایران و کومه له کمونیست را، تنها با این ارزیابی طلایی "هزیمت" توضیح داد. رهبری و نسلی که به دنبال آن تصمیم، بزرگترین و فعالترین نیروی کمونیست و چپ تاریخ معاصر جامعه ایران یعنی حزب کمونیست کارگری ایران را تشکیل دادند. در مقابل این تحلیل "عمیق" رهبران کنونی "حزب کمونیست ایران" و کومه له از علل جدایی ما، آیا باید آنها را به اسناد کنگره ششم کومه له، به قطعنامه پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب بعد از ختم جنگ ایران و عراق، به سند اوضاع بین‌المللی و موقعیت کمونیسم و دیگر مباحثات کنگره سوم حزب در سال ۱۹۸۹، به سیمینارهای کمونیسم کارگری، به جزوه "دورنمای فعالیت حزب در کردستان"، به رساله "تفاوتهای ما" به مباحثات "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق" و به تعداد زیادی مکاتبات و مکالمه منصور حکمت در این زمینه‌ها با راهبری وقت کومه له و از جمله با ابراهیم علیزاده و من، به نامه‌ها و بحثها و تصمیمات پلنومهای ۲۰ و ۲۱ حزب و به مباحثات مندرج در کمونیست شماره ۶۳ و ضمیمه‌های آن، و به جزوه دو گام به پس رجوع دهم؟ مباحثات تئوریک و سیاسی و تاریخی و ارزنده‌ای که رویدادهای مهم آن دوران را تحلیل نمود و راهحل نشان داد و جوانب مختلف تفاوت کمونیسم کارگری منصور حکمت را با بقیه و از جمله با گرایشات دیگر تحت نام چپ در حزب کمونیست ایران" را در سیاست و پراتیک نشان میداد و منصور حکمت از قبل بارها گفت یا حزب کمونیست و کومه له به ابزار سر راست تحقق اهداف و سیاست کمونیسم کارگری تبدیل میشوند و گرایشات دیگر را کنار میزنند،



رحمان حسین زاده

بیانیه کنگره دهم کومه له با عنوان "جایگاه کومه له در حزب کمونیست ایران" جدایی کمونیسم کارگری در سال ۱۹۹۱ را از حزب کمونیست ایران و کومه له "هزیمت" نامیده است. عجب "جسارتی"؟! اما این "جسارت" آنها از اعتماد بنفس و توانایی، از تحلیل سیاسی ایژکتیو و فاکت‌های واقعی نشأت نمیگیرد. حتی آنها مبتکر این "جسارت" نیستند، بلکه دو سال بعد از انشعاب سازمان "زحمتکشان"، این "جسارت" را از عبدالله مهندسی به ارث برده‌اند. با این تفاوت عبدالله مهندسی نه در حال حاضر بلکه یازده سال قبل در اوج شرایط جهانی "کمونیسم مرد، کمونیسم مرد" و عروج ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق، به چنین تحلیلی پناه برد و در آن فضای ضد کمونیستی فکر میکرد، این "اتهام" به کمونیستهای کارگری جاده صاف کن بازگشت وی به صف ارتجاع و ناسیونالیسم کرد است. بعد از گذشت یازده سال از آن اتفاقات و مسلم شدن بسیاری حقایق رهبری کومه له و کنگره دهم آن سادولوحانه و طوطی‌وار به تکرار اراجیف عبدالله مهندسی پناه برده است. صرفنظر از دیدگاههای متفاوت، سطحی‌نگری، ساده لوحی و بی‌مایگی بالایی را در تحلیل و ارزیابی می‌تواند، که بتوان تصمیم به جدایی مارکسیست و رهبر برجسته‌ای چون منصور حکمت و اکثریت قاطع رهبران و کادرها و اعضای حزب کمونیست ایران و کومه له یعنی نسل سازنده تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری در ایران و در کردستان بعد از انقلاب ۵۷ را و نسل سازنده حزب کمونیست

## بیاد قربانیان شهریور ۶۷

شهریور ماه سال ۶۷ یکی از آن حلقه‌های تحکیم حکومت جمهوری اسلامی است که در تداوم زنجیره جنایات این رژیم ماهیت اسلام سیاسی را بعنوان حربه سرکوب خونین دستاوردهای خیزش مردم ایران در سال ۵۷ با کشتارها و قتل عامهای بیرحمانه در برابر بشریت گرفت. هیات سه نفره تعیین شده توسط امام "راحل" طی تصمیماتی برق آسا هزاران زندانی محکوم شده و محکوم نشده را از دم تیغ گذراند. سایه سیاه رژیم اسلام و خفقان یک مشت جانور اسلامی بار دیگر و بعد از نسل کشی خرداد سال ۶۰ بر جامعه ایران گسترده شد. خمینی، این مظهر قساوت اسلامی در چند سال قبل از این، در همان بجهوحه کشتارهای سال ۶۰ به مناسبت "یوم‌الله" تولد محمد اسلام چنین گفته بود:

« رحمت مخالفت با خداست... محراب یعنی مکان حرب، یعنی مکان جنگ... پیغمبر شمشیر دارد تا آدم بکشد ائمه ما علیهم السلام همگی شمشیر میکشیدند، همگی آدم میکشیدند... ما خلیفه می‌خواهیم که دست ببرد، حد بزند، رجم کند همانطور که رسول‌الله علیه السلام رجم میکرد و همانطور که یهود بنی قریظه را که جماعتی ناراضی بودند قتل عام کرد... زندگی بشر را باید با قصاص تامین کرد»

و اسلام سیاسی چه خلیفه‌های خلفی که در

صفحه ۲

یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری اثر منصور حکمت را بخوانید!

یک سند تاریخی از جنایت خمینی

صفحه ۴



سرمدبیر: ایرج فرزاد iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵ فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S Box 15203 104 65 Stockholm

پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹ اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ◀◀ بیاد قربانیان شهریور ۶۷

مکتب خود پرورش نداد! لاجوردی و خلخال و موسوی تبریزی و فلاحیان و جلائی پور و خیل جلاذانی که به تناوب رهرو مومن معمار رژیم اسلامی بوده‌اند، در عین حال ستونهای اصلی دو جناح "انحصار طلب" و "اصلاح طلب" همین رژیم هستند. بخشی از شکنجه‌گران همین رژیم و سازمان دهندگان وزارت اطلاعات آن، علیه جناح "اقتدارگرا" خود را اصلاح طلب نام گذاشته‌اند. و طنز تلخ تاریخ این است که اپوزیسیون پرو رژیم و کل طیف گرایش ملی مذهبی برای خود تاریخ ساختند، دوره تعریف کردند و بعد از چند قرن که بشریت دست مذهب را از دخالت در دولت و آموزش و پرورش قطع کرده بود، مدعی شدند که گویا نوع جدیدی از مذهب و الهیات و اسلام پا به عرصه سیاست گذاشته است که میشود در باد "اصلاحات" آن و برای ابقا آن در حکومت خوابید و به مردم عاصی و به تنگ آمده گفت که فعلا با فقر، نابرابری، فرهنگ عزا و نوحه و سیاهپوشی، با بیکاری و اعتیاد و رواج تن فروشی و کودک خیابانی، با بی آینده‌گی و تیرگی زندگی جوانانی که در عصر دهکده جهانی زندگی میکنند بسازند تا ببینند که نتیجه تقلای بخشی از حاکمیت رژیم اسلامی، همانهایی که نورچشم خمینی هم بوده‌اند، به کجا میرسد!

رژیم جمهوری اسلامی همان رژیم یوم‌الله‌هاست. رژیم خرداد ۶۰ و شهریور ۶۷ است. همان رژیم خلیفه‌هایی از قماش لاجوردی‌هاست. رژیم قصاص و بی رحمی و خشونت اسلامی است. رژیم هر دو جناح جنایتکاران لیبخند به لب و عبوس است. جلاذانی سنگدل و بی رحم جمهوری اسلامی، قهرمانان و رهروان صدیق انبیا و امام دکتر مهندسهای بخش خنده رو و دمکراسی اسلامی هم هستند. هر دو این جناحها پرونده قطور ساختن لعنت‌آبادها و گورهای گمنام دسته‌جمعی و نفرت صدها هزار نفر از دوستان و

## چه جریانی هزیمت کرد؟

فراوان در تشکیلات کردستان شدند. " به نقل از بیانیه کنگره دهم کومله - آفرین به این همه ذکاوت، چه تحلیل همه جانبه و عمیقی!!

### تیره شدن افق جنبش توده‌ای یا تیره شدن افق ناسیونالیسم

در این تحلیل بسیار "عمیق" رهبری کومله که آن را هم به کنگره دهم قبولانده است. چند نکته قابل توجه وجود دارد. قبل از هر چیز نه تنها یک ذره تعهد و پایبندی به حقیقت و یک ذره امانتداری وجود ندارد، بلکه سراپا تحریف و وارونه جلوه دادن وقایع است. اول اینکه "تیره شدن افق جنبش توده‌ای" در کردستان را به "آخرین پرده های عقب‌نشینی مبارزه مسلحانه" چسپانده‌اند تا ناسیونالیسم نهفته مبتنی بر توضیح همه چیز از زاویه مبارزه مسلحانه را درز بگیرند. تا وانمود کنند که تنها با اتکا به کم و کیف مبارزه مسلحانه قضاوت نمی‌کنند، که قبح محدودنگری ناسیونالیستی آن به طرز زنده‌ای پیداست و میخواهند آن را لاپوشانی کنند. تا آنجا که به جنبش توده‌ای مربوط است متأسفانه این عرصه از مبارزه جز در دوره های کوتاه مدتی که شهرهای کردستان آزاد بودند، بعدا به دلیل لشکرکشی نظامی رژیم به کردستان و نظامی شدن فضای جامعه، به دلیل برجستگی شکل مبارزه مسلحانه در فضای سیاسی کردستان و اتفاقا به دلیل نداشتن مرزبندی روشن رهبری کومله با پراتیک و سنت ناسیونالیسم در کردستان و دنباله روی خودیخودی از آن سنتها، مبارزه توده‌ای برای دوره‌هایی زیر سایه مبارزه مسلحانه قرار گرفت. اتفاقا به دنبال از دست رفتن شهرها و مناطق آزاد کردستان و انقباض فعالیت مسلحانه، تحرک توده‌ای و کارگری از سال ۱۳۶۴ به بعد انرژی و توان بیشتری گرفت و شاهد مبارزات وسیع کارگران کوردپزخانه، مراسمهای باشکوه ماه مه، تحرک اعتراضی در شهر و روستاها در زمینهای مختلف بودیم. طبعاً به دنبال تشکیل حزب کمونیست ایران و به همت هژمونی سوسیالیسم کارگری در حزب کمونیست و کومله قبل از جدایی، عطف توجه به مبارزات کارگری و توده‌ای هم بیشتر شد. مبارزات کارگری و توده‌ای نسبت به عرصه‌نظامی موقعیت مساعدتری هم در جامعه و هم در خط مشی و سیاستهای کومله پیدا کردند.

## ایرج فرزاد

\*\*\*

طبعاً جنبش توده‌ای در کردستان نتوانست از چنان تناسب قوایی برخوردار شود که رژیم جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار دهد و بر آن تفوق پیدا کند، اما در شکل اعتراضات و آکسیونهای مختلف ادامه پیدا کرد. دامنه این عرصه از مبارزه هنوز محدود و از پتانسیل بالایی برخوردار نبود، اما بر عکس تحلیل رهبری کومله افق آن تیره و تار نبود. در این سالها در مقایسه با مبارزات کارگری و توده‌ای، اتفاقاً عرصه مبارزه مسلحانه دچار عقب‌نشینی جدی شده بود و به این معنا افق این عرصه تیره بود و مورد بحث و اظهار نظر در کنگره‌های کومله قرار گرفت. دومین تحریف تحلیلگران رهبری کومله اینست که محدود شدن و "تیره شدن" افق مبارزه مسلحانه نه در دوران جدایی ما و نه در دوران اختلافات درونی که به چپ و راست موسوم است، بلکه بسیار پیشتر و از مقطع کنگره پنجم کومله این واقعیت مشاهده شد. به شهادت همه آنهایی که در سال ۱۳۶۵ در آن کنگره حضور داشتند، منصور حکمت سیاست و راه‌حل شفاف و روشنی چه در عرصه‌نظامی و چه در تدوین افق سیاسی مبارزه در کردستان و جایگاه کومله ارائه کرد. اعلام کرد مبارزه مسلحانه "هست و نیست" ما را تشکیل نمیدهد. حزب و جریان کمونیستی افق و سیاستش را از عرصه یا عرصه‌هایی از مبارزه و در این مورد مشخص از مبارزه مسلحانه نتیجه نمیگیرد. تازه با طرح "حفظ چهره مسلح حزب" و "ایجاد تیمهای کماندویی" و مانورهای ابتکارات منطق با آن دوران تحت نام "شعلور نگه داشتن فعالیت مسلحانه" تاکتیک مناسب این عرصه را عرضه کرد. سند "مباحثات کنگره پنجم کومله" و تز "پیشبرد مبارزه هماهنگ اقتصادی، سیاسی و نظامی" که در مباحثات اخیر دهمین کنگره‌شان به آن استناد میکنند، برگرفته از سخنرانی منصور حکمت در همان کنگره پنجم است. بعدها منصور حکمت کل استراتژی و تاکتیک حزب در کردستان، چه در زمینه افق و سیاست و چه در عرصه‌نظامی و در زمینه رفع ستم ملی و مناسبات با حزب دمکرات و اعلام آتش بس یکجانبه با آن حزب را در سندهای مدونی در سال ۱۳۶۷ به پلنوم قبل از برگزاری کنگره ششم ارائه کرد و همه آنها بی‌کم و کاست به تصویب آن پلنوم و کنگره ششم رسیدند. (به مصوبات

## چه جریانی هزیمت کرد؟

حفظ "اردوگاه" سکوت و "دیپلماسی" در مقابل رژیم بعث عراق و نیروهای سیاه و مرتجع منطقه را ادامه داده و از آن بدتر به میزبانی دولت "نویا" و احزاب ناسیونالیست کرد و اتحادیه میهنی تبدیل شدند.

در جزوه دورنمای فعالیت حزب در کردستان منصور حکمت به روشنی این نوع طرز تلقی و افق و سیاست ناسیونالیستی در قبال آینده کومله را زیر نقد و ضرب گرفت و تصویر کمونیستی از موجودیت اجتماعی و آینده کار کومله ارائه داد. در رابطه با نحوه رهبری و حتی مکان استقرار آن، در قبال عرصه کارگری، توده‌ای، نظامی، جوانان و دیگر پتانسیلهای اعتراض و مبارزه در کردستان، در مورد اردوگاه‌های نظامی و فرستنده‌های رادیویی و چگونگی استقرار آنها در کردستان عراق با دقت سیاست و راه‌حل ارائه کرد. (همین جا مناسب میدانم از همه اعضای کنونی کومله که در جریان این مباحث قرار نگرفتند، بخواهم این جزوه و دیگر نوشته‌های مباحث آن دوره را مطالعه کنند و منصفانه قضاوت کنند). این رادحلا به مذاق جناح راست ناسیونالیست خوش نیامد و پروکاسیون کردند. یکی از جریبه‌هایشان در این پروکاسیون "هزیمت هزیمت" بود. به اعتقاد من هم در آن تحولات و در وقایع ده ساله اخیر بعد از آن "هزیمت" اتفاق افتاد. حال ببینیم چه جریانی و چگونه هزیمتی اتفاق افتاد.

### چه جریانی هزیمت کرد

اگر معنای هزیمت، فاصله گرفتن و پشت کردن جنبش و حزبی به اهداف استراتژیک، سیاسی و پراتیکی و عرصه‌های مبارزاتی و روشها و ستنهایی باشد که زمانی فلسفه وجودی آن حزب و سازمان را تشکیل داده، احتیاج به استدلال زیادی نیست که ثابت کرد، حزب کمونیست ایران و کومله بعد از جدایی کمونیسم کارگری در همه زمینه‌ها هزیمت کرده‌اند. اجازه بدهید لیستی از هزیمتهای این جریان را برشمارم:

۱- از مقطع ختم جنگ ایران و عراق و مشخصا از کنگره سوم حزب کمونیست ایران (ژانویه ۱۹۸۹) معلوم بود که گرایشهای مختلف درون حزب راحل و سیاستهای متفاوتی را در قبال آینده جنبش و حزب در چشم‌انداز دارند. کمونیسم کارگری و منصور حکمت با سند "اوضاع بین‌المللی و موقعیت کمونیسم" و سخنرانیهای حول آن از مدتها قبل گفت "بلوک شوروی فرو می‌پاشد و به دنبال آن در مقابل هر یک مارکسیست، هزار سابق مارکسیست پیدا میشود که از واهی بودن کمونیسم و از ازلی و ابدی بودن سرمایه‌داری" دفاع میکنند. اعلام کرد ما در دفاع از حقانیت مارکسیسم باید حضور داشته باشیم و هشدار داد در شرایط حاضر حزب کمونیست ایران را مشغول این کار نمیدانند. از آن زمان منصور حکمت یک تنه با تئوری و سیاستهای کمونیسم کارگری به دفاع از مارکسیسم پرداخت. در مقابل از همان دوران گرایشهای دیگر درون حزب "قاچ زین را گرفتند" و به تشکیلات داری مشغول شدند. آیا آنها میتوانند تنها یک جزوه و یک برگ از تئوری و تز و سیاست خود و جریانشان را در دفاع از مارکسیسم نشان دهند؟ میتوانند یک اقدام و کمپین موثر خود را در دورانی که "پایان کمونیسم" اعلام شد، در دفاع از کمونیسم به ما نشان دهند؟ اینها در مبارزه بر سر سرنوشت کمونیسم هزیمت کردند.

۲- به دنبال کنگره سوم اولین سمینار کمونیسم کارگری در تقابل با موج ضد کمونیستی که در سراسر جهان راه افتاده بود، توسط منصور حکمت برگزار شد، روندهای جهانی آن دوران را توضیح داد و آلترناتیو کمونیسم کارگری در مقابل کمونیسم بورژوازی و پروپاگاندا آنها قرار داده شد. بخشی از رهبران وقت کومله که اکنون در رهبری کومله فعلی و سازمان زحمتکشان تقسیم شده‌اند، آن مباحث سرنوشت ساز را روحیه‌بخش برای "تشکیلات داریشان" نمیدانستند، در نتیجه نه به شکل صریح و رویاز و سالم، بلکه به عقب‌ماندترین شکل و به شیوه محفلی فضایی را علیه این مباحث ایجاد کردند و حتی از پیش کامل نوارهای آن در کومله خودداری کردند. نه تنها در یک مبارزه نظری بسیار مهم مربوط به سرنوشت کمونیسم شرکت نکردند، با اتکا به افق و سیاست دیگر علیه آن ایستادند. لطفا بگویید در دفاع از کمونیسم چه کسی هزیمت کرد؟

۳- درست چند روز قبل از "فروریختن دیوار برلین" و همزمان با برگزاری پنلوم شانزدهم حزب کمونیست ایران، منصور حکمت با رساله پایهای و همیشه ماندگار "تفاوتهای ما" پایها و افق مبارزه مارکسیستی علیه موج جهانی ضد کمونیستی را تحکیم کرد. میتوانم بپرسم در آن دوران رهبران کنونی کومله کجا ایستاده بودند؟ گورباچف در دسامبر ۱۹۹۱ شکست شوروی را اعلام کرد، رهبری ما علاوه بر کارهای تا آن زمان انجام شده با "مارکسیسم و جهان امروز" و با تشکیل حزب کمونیست کارگری و پلاتفرم کمونیستی به مقابله آن فضا برخاست، لطفا توضیح دهید آن زمان به چه مشغول بودید؟ به دنبال فروپاشی شوروی از یکسو موج ملی‌گرایی و ناسیونالیسم فاشیستی افسار گسیخته فضای دنیا را گرفت، و از سوی دیگر تب دمکراسی و بازار آزاد میداندار بود، ما کمونیسم کارگری با مباحث مربوط به ناسیونالیسم و ملت و با دمکراسی و تعابیر و واقعیات به مقابلهاش برخاستیم، آیا آن زمان جریان و رهبری شما مشغول کاری بود؟ آیا مقاله آبکی "پارلمانتاریسم" عبدالله مهتدی را که راه پیوستن به جبهه دمکراسی را نشاناند داد هنوز در پرونده‌تان محسوب کنیم؟ بحران خلیج و اشغال کویت توسط عراق اوضاع تازه‌ای را در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد کرد. این یک تندپیچ تاریخی بود. این دوره دیگری از هژمونی طبلی سیاسی و میلیتاریستی سرمایه‌داری به رهبری آمریکا و غرب علیه دنیا بود. "نظم نوین جهانی" ابداع شد. نقش کمونیسم کارگری در این ماجرا معرفی و مشخص است. میتوانید نقش خودتان را در آن دوران یادآوری کنید و از مباحث و عملکردهای آن دورتان دفاع کنید. توضیح دهید در مبارزه علیه ناسیونالیسم و دمکراسی و بازار آزاد و نظم نوین جهانی چرا در آن دوران حساس حضور نداشتید و هزیمت کردید؟

۴- جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران صورت گرفت. در پنلوم بیستم اعلام کردید که خط مشی چپ و رادیکال و کمونیستی حزب را ادامه میدهد. توضیح دهید به چه علت خیلی زود "تجدید نظر سیمای سیاسی و عملی حزب" و انتشار "افق"

سوسیالیسمها" ضروری شد؟ چطور است پرنسپهای پایهای این حزب به فراموشی سپرده شدند؟ حزبی که در تقابل با چپ سنتی و بورژوازی ایران شکل گرفت، چطور است شب و روز در کنار این چپ و امثال "حزب رنجبران و راه کارگر و اتحادیه کمونیستها وفادایی و.. عکس می‌گیرد و بامورد و بیمورد دنبال اتحاد عمل است؟ توضیح دهید چرا با دوران مارکسیسم انقلابی و کنگره موسس و دوره نشریه بسوی سوسیالیسم این حزب وداع گفتید و فقط تابلویش را حفظ کرده‌اید؟ اگر خود فریبی نکنید به همه پرنسپهای جا افتاده دوره اولیه حزب کمونیست ایران پشت کرده‌اید، به نحوی که حتی نشریاتش را حاضر نیستید تجدید چاپ کنید. به من بگویید چه کسی هزیمت کرده است؟

۵- به تاثیر از بحران خلیج تحولات کردستان عراق پیش آمد. در دل این تحولات ناسیونالیسم کرد عروج کرد. سخنگوی آن زمان شما عبدالله مهتدی با قطعنامه‌هایش کمپ شما را در کنار ناسیونالیسم کرد قرارداد. رهبری کنونی کومله از او حمایت کردید. ابراهیم علیزاده به دفاع از وی در اردوگاه سخنرانی کرد. (هر چند هیچگاه حاضر نشد نوارهای سخنرانی‌اش را پخش کند) خودتان هم میدانید در این ماجرا چنان هزیمت کردید، که از سر از جبهه ناسیونالیسم کرد در آوردید. پای هر ورق پاره مرتجعترین نیروهای ناسیونالیست کرد امضا گذاشتید، اوضاع معلق و سرگردان کردستان عراق را تایید و حاکمیت زور اتحادیه میهنی و پارتی را دولت نویا معرفی کردید، به کنگره ملی احزاب کرد پیوستید، در مقابل خرافه ناسیونالیسم سپر انداختید. و این مبنای ادامه هزیمت شما در یک دهه گذشته شده است.

۶- با تحولات کردستان عراق، جنبش شورایی به میدان آمد، سازمانهای کمونیستی عروج کردند. ما چه در آن دوره و چه بعدتر در کنار آنها قرار گرفتیم و به صف آنها پیوستیم. خودتان میدانید با چه اشتیاقی پذیرای کمونیسم کارگری و منصور حکمت بودند. با تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، مناسبات با جنبش کمونیستی و کارگری در عراق و کردستان عراق مثل گذشته دیگر جزو سیاست خارجی و روابط محفلی و زیرجلکی ما نبود، خوشبختانه دیگر ملاحظات

رابطه با عراق و احزاب ناسیونالیست بر دست و پای ما سنگینی نمیکرد، بلکه صریح و سر راست امر ما و صف ما و جنبش ما بود. آری ما از اردوگاه زرگویی "هزیمت" کردیم، قید رابطه با عراق و دیپلماسی با احزاب ناسیونالیست کرد را زدیم و دست در دست جنبش و همسنگران و حزیمان در شهرهای سلیمانیه واریبل و کرکوک و ناصریه و سماوه و بغداد و موصل و بصره و بسیاری شهرهای دیگر عراق و کردستان عراق گذاشتیم. حزب ما و کادرهای ما از زرگویی "هزیمت" کردیم و خود جزو سازندگان و کادرهای تحت اتوریته حزب کمونیست کارگری عراق درآمدیم، در کنار سازمان زنان و مرکز دفاع از زنان، تشکلهای ییکاران، مرکز دفاع از کودکان و آوارگان و بی‌مسکن ها و در کنار مبارزه رفقای جانباخته بکرعلی و نذیر عمر علی و شاپور عبدالقادر و قابل عادل قرار گرفتیم. در جنگی که اتحادیه میهنی به دستور جمهوری اسلامی به حزب کمونیست کارگری عراق تحمیل کرد و شماها "هزیمت نکرده" از مقر و اردوگاهتان ناظر کشتار کمونیستها به دست افراد مسلح برادر بزرگوارتان "مام جلال" بودید و از "تیروی آسایش" سلیمانیه میخواستید، دمکراسی را رعایت کند، افراد رهبری و کادر و اعضای ما دوش به دوش حزیمان "حزب کمونیست کارگری عراق" ایستادیم و جنگیدیم و رفقایمان به دست دوستان شما جانباختند. در بزرگترین تراژدی و قتل عام که در ده سال گذشته علیه زنان از جانب ارتجاع اسلامی و ملی و عشیرتی در کردستان عراق اعمال شد، سکوت کردید، به موقعیتی تنزل کرده‌اید که حتی از زندانی شدن شش پیشمرگ خودتان هم نتوانستید دفاع کنید. در قبال سربریدن ۱۸۰ زن در شهر بغداد و آویزان کردن بر درب خانها لام تا کام هیچی نگفتید و به خود اجازه میدهد، دیگران را در حال "هزیمت" و سازمانتان را حاضر در صحنه معرفی کنید؟! در تمامی وقایع مربوط به سرنوشت کارگر و کمونیسم و زنان و جوانان و



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

**چه جریانی هزیمت کرد؟**

مردم معترض در ده سال گذشته در کردستان عراق، جنبش کمونیستی و کارگری و آزادیخواهانه و برابری طلبانه در کردستان عراق، کومله را نه در کنار خود بلکه در کنار مخالفان خود و احزاب حاکم ناسیونالیست، و رهبران کومله را در رکاب مام جلال و کاک نوشیروان و ملازم عمر و کاک کوسرت و... می بیند. این واقعیتی است که بارها از جانب رهبران کمونیست و رادیکال آن جامعه کتبا و شفاها اعلام شده است. حال سؤال من اینست این هزیمت آشکار را چگونه توجیه میکنید؟

نکرده" در ماهه های ۲-۳ سال گذشته، در ۸ مارسها و در گسترش مبارزه رادیکال و چپ جامعه کردستان کجا بوده و هستیید. واقعا چه جریانی هزیمت کرده است؟

۸- توضیح دهید بنا به کدام اصول و پرنسیب گذشته رادیکال کومله حزب دمکرات کردستان ایران را نیروی دخیل در "جنبش انقلابی" کردستان محسوب کردید و مهر انقلابی را تقدیم کردید، کاری که سالها با زور اسلحه نتوانست بر ما کومله کمونیست و انقلابی تحمیل کند. بنا به کدام پرنسیب گذشته رادیکال در مقابل آن نه فقط سکوت که شب و روز و حتی در روز کومله به "دیپلوماسی تملق" باین حزب مشغول هستیید. این اتفاق نه هزیمت که پیوستن به جبهه آنها است. میتوان بر این لیست اضافه کرد اما به همین سطح بسنده میکنم. موارد مذکور قاعدتا باید روشن کرده باشد که کومله از دوره بعد از جدایی کمونیسم کارگری هزیمت سیاسی بزرگی را نسبت به گذشته رادیکال و چپ خود از سر گذرانده است. حزب و جریانی که زمانی نقطه امید کارگر و کمونیسم در منطقه بود در پی این هزیمت سیاسی، در پی فاصله گرفتن از کمونیسم کارگری و گذشته کمونیستی، هویت سیاسی رادیکال خود را از دست داده و حداکثر به نیروی بی آزار در حاشیه جنبش ملی و در حاشیه تحولات سیاسی تبدیل شده است.

کمونیسم کارگری در یک تند پیچ تاریخی و در یک اقدام تاریخی در سال ۱۹۹۱ از حزب کمونیست ایران جدا شد. تمامی قید و بندهای موجود را گسست و با صدای رسا و صریح به پیش تاخت و احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق را تشکیل داد. تحت رهبری مارکسیست برجسته معاصر زنده یاد منصور حکمت به جنگ آنتی کمونیسم جهانی رفت و به تکیه گاه احیای کمونیسم و مارکسیسم تبدیل شد. دوران برزخ و نامیدی را در ایران و منطقه از سر گذراند. کمونیسم را به نیروی موجود و قابل انتخاب و حاضر در صحنه برای کارگر و مردم زحمتکش و همه آزادیخواهان تبدیل کرد. این جهشی بزرگ و حتی به اذعان مخالفین کمونیسم کارگری و منصور حکمت کار بزرگی بود که صورت گرفته است. جا دارد اعضا و هواداران کومله یکبار هم شده به دلایل سطحی و تکراری رهبری کومله اکتفا نکنند و به مباحثات همه جانبه و عمیق و دلایل واقعی

جداییهای آن دوران برگردند و قضاوت کنند. هر عضو و هوادار کومله در شهرهای کردستان و هر جای دیگر اگر امرش منفعت کارگر و کمونیسم و ادامه سیاست کمونیستی گذشته کومله و استراتژی سوسیالیستی مصوب کنگره ششم کومله باشد، جای خود را در میان ما، در صف کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری می یابد.

در خاتمه نکاتی را در مورد "هزیمت" مورد نظر بیانیه اخیر کومله اشاره کنم. هزیمتی که از آن نام میبرند، وقت خود "پروژه اعزام مصوب رهبری حزب کمونیست ایران بود و عبدالله مهتدی و تعدادی از همفکران و همکاران کنونی آن تا دوره معینی با اقتضای آن جنبش سیاسی حزب سرپرستی و اجرای آن را به عهده گرفتند. پروژه اعزام این جهت سیاسی را داشت تا هر چه سریعتر نیاز کومله به امکانات و شرایط دولت عراق را کم کند، استقلال عمل رهبری کومله را افزایش دهد و از وابستگی بیشتر به این رژیم و لاجرم قبول قید و شرطهای آن بکاهد، به همین دلیل طرحی بود که به جز نیروی رزمی داوطلب فرستندههای رادیویی و بخشی از رهبری برای سرپرستی آنها را که در کردستان عراق مستقر بود، بقیه را در یک جدول بندی فکر شده به کشور ثالث و کشورهای اروپایی اعزام کند و در بخشهای دیگر حزب آنها را سازمان و ادغام کند. با جدایی کمونیسم کارگری، نحوه اجرای این طرح تغییراتی کرد. این پروژه در عین حال بسیار انسانی بود، نقطه عزیمت آن حفظ ماتریال انسانی یک مبارزه انقلابی، رها نکردن سرنوشت و آینده آنها به دست اتفاقات پیش بینی نشده در اوضاع بحرانی منطقه و از لزوم ایجاد شرایط مساعد برای استراحت و بهبود جسمی و روحی و از لزوم ارتقا فکری و سیاسی و اجتماعی انسانهای زیادی سرچشمه میگرفت، این طرح خدمت بزرگ انسانی در حق مبارزین سیاسی دو دهه مبارزه انقلابی در جامعه کردستان بود. پروژه ای که به اذعان خیلی ها حتی از میان مخالفین سیاسی و حتی از میان صفوف خود کومله، نجات جان و شخصیت خود را در آن شرایط مدیون کمونیسم کارگری و سیاست منصور حکمت هستند. این طرح نمونه ای از سیاستهای انسانی منصور حکمت و کمونیسم کارگری است. بسیاری از کمونیستها و مبارزین آن دوره

با روحیه و اوضاع مساعدت کماکان مبارزین پیگیر امر انقلاب و کمونیسم هستند، که اینچنین کنگره دهم کومله خم به ابرو نمیآورد و با رعایت نکردن ذرهای حرمت انسانی به عنوان "هزیمت کرده" از انسانهایی با سابقهای طولانی در مبارزه سیاسی در جامعه کردستان نام میبرد.

این را یادآوری کنم اگر این سیاست انسانی "هزیمت" بود، چگونه تمامی اعضای کمیته مرکزی و کارهای فعلی کومله و حتی نمایندگان همین کنگره ۱۰ بخشا طبق آن و یا بعدا با تاثیر از آن سیاست راهی اروپا شدند. آیا جا نداشت از میان نمایندگان این کنگره که خود "هزیمت کرده" محسوب شدند، کسی پیدا شود، این تذکر را بدهد چنین تحلیل سطحی از علل جدایی کمونیسم کارگری بسیار زمخت است تا چنین پروپاگاندا عقب مانده را علیه یک پروژه انسانی و نسل وسیعی از کمونیستها و مبارزین سیاسی دوباره باب نکنند؟ به نظرم کارها و اعضای کومله برای حفظ حرمت و کرامت سیاسی و شخصی آینده خودشان هم بوده که به آسانی مورد اتهام و برجسپ آنچنانی قرار نگیرند، لازمست به این نوع تحلیل و سیاستها اعتراض کنند. در هر حال رهبری کومله با "هزیمت" نامیدن بزرگترین اتفاق در سرنوشت حزب و سازمانشان در سال ۱۹۹۱، جز سطحی گری و بی مایگی در تحلیل و ارزیابی روندهای سیاسی چیزی را ثابت نمیکند. زدن برجسپ "هزیمت" به تصمیم و اعزام صدها انسان کمونیست و مبارز ۲-۳ دهه تحولات سیاسی جامعه ایران و کردستان، چیزی جز بیحرمتی به انسانها و دوری از یک سیاست انسانی را به نمایش نمیگذارد.

**کمیته کردستان**  
 دبیر کمیته:  
**رحمان حسین زاده**  
 Email:  
 r\_hoseinzadeh@yahoo.com  
 تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷  
 مسئول دبیرخانه:  
**محمد آسنگران**  
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵  
 Email:  
 asangaran@aol.com

**یک سند تاریخی از جنایت خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی**

بسم الله الرحمن الرحيم  
 از آنجا که منافقین خائن به هیچوجه به اسلام معتقد نبوده و هرچه میگویند از روی حيله و نفاق آنها است و به اقرار سران آنها، از اسلام ارتداد پیدا کرده اند و با توجه به محارب بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاریهای حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و خدمات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و میکنند محارب و محکوم به اعدام میباشد و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجت الاسلام نیری دامت افاضاته و جناب آقای اشراقی و نماینده ای از وزارت اطلاعات میباشد اگر چه احتیاط در اجماع است. و همینطور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شریح، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم الاتباع میباشد. رحم بر محاربین ساده اندیشی است. قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمائید. آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند "اشداء علی الکفار" باشند. تردید در مسائل قضائی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مظهر شهدا میباشد.

والسلام  
 روح الله خمینی